

طاق بستان

پادشاهان نخستین ساسانی تا زمان سلطنت فرسی حجاربه‌های خود را در صخره‌های حوالی پارس پلمیس کنده‌اند. اردشیر دوم پسر هرمزدوم و جانشینانش محلی را واقع در کشور ماد قدیم که باقامتگاه آنها نزدیک بوده است اختیار کرده‌اند.

طاق بستان در فاصله ۹ کیلومتری شمال شرقی کرمانشاه قرار گرفته است. در باب وجه تسمیه آن خاورشناسان و مورخین این نامها را ذکر کرده‌اند: طاق و سظام، طاق و سلطان، طاق و سان، طاق بستان، طاق بهستون و طاق بیستون. اگراد و پاره‌ای از مردم آن نواحی طاق و سان و طاق بسان میگویند چون بلوکی در آن نزدیکی است بنام بلوک و سلطان و این طاق جزو آن بلوک قرار گرفته است دور نیست که بهمین علت آنجا را طاق و سلطان و بتدریج طاق بستان نامیده‌اند.

از تاریخ نویسان بعد از اسلام ابن حوقل، ابن خردادبه، اصطخری، یاقوت حموی، حمدالله مستوفی، سید عبدالمطیف شوشتری مؤلف تحفة العالم، حاج زین‌العابدین شیروانی مؤلف بستان‌السیاحه راجع بساین طاق و حجاربه‌های آن در کتابهای خود اشاراتی نموده‌اند.

در این محل چشمه‌های فراوانی یافت میشود که دارای آب صاف و زلال بوده و پس از خروج از شکاف سنگها تمام مزارع اطراف را آبیاری میکند اخیراً برای استفاده زراعتی بیشتری در جلو چشمه سارها استخر بزرگی ساخته‌اند.

در طاق بستان بدون شك يك زیارتگاه قدیمی وجود داشته است که در ازمنه مزدا یرستی گویا مخصوص ستایش آناهیتا بوده است از این جهت این مکان از قدیم الایام موقعیت بسزائی داشته است. خرابه هائیکه امروز در این محل مشاهده میکنیم قسمت بسیار ناچیزی از ساختمانهای قدیم آن بوده است و در تمام این جا که اکنون تلهای زیادی از خاک مشاهده میشود که حکایت از آبادی گذشته این محل مینماید.

در نزدیکی این بنا در سمت چپ حجاری از تاجگذاری اردشیر دوم در روی تخته سنگی دیده میشود. در سمت راست اردشیر شخصی ایستاده است که بعقیده پرفسور کریستن سن Christensen دانمارکی اهورا کی مزدا است و عده دیگر از باستانشناسان معتقدند که مؤبد مؤبدان میباشد زیرا بر خلاف زمان هخامنشیان که روحانیون چندان متنفذ نبودند در زمان ساسانیان نظر برسمی شدن مذهب زردشت مغانفوذ فوق العاده و مقام شامخی در نزد سلاطین ساسانی پیدا نمودند. بهر حال شخص فوق الذکر دارای تاج کنگره داری است که روی خود را بطرف شاه گردانیده است و حلقه سلطنتی که دارای نواری میباشد باو اعطا میکند. شاه و شخصی که در طرف راست وی قرار گرفته است ملبس بقباهائی هستند که تا زانوهای آنها رسیده است. دامنه قبای شاه مدور است و هر دو ی آنها شلواری بیادارند که از جانب پا چین خورده است و بوسیله بندی بکف پا چسبیده است و هر يك کمر بند و گردن بند و دستبندهائی دارا میباشد. در پشت سر شاه نیز الهه ای ایستاده است که لباسش تقریباً نظیر لباس شخصی است که در طرف راست اردشیر ایستاده است لیکن انواری از اطراف سرش ساطع است و دسته ای از شاخه های مخصوص اعمال مذهبی در دست گرفته است عده ای تصور مینمایند که این شکل هاله دار نقش زردشت است لیکن در حقیقت نقش زردشت نیست بلکه صورت الهه میترا میباشد بدلیل اینکه گذشته از این محل عین این حجاری در دو جای دیگر مشاهده میگردد که بوسیله کتیبه ای صریحاً معرفی شده است که یکی از آن دو در مقبره آن تیوش کماژنی Antiuch (در سوریه) و دیگر در سکه های زردشتی پادشاهان

توروسکا Tourouchka میباشد (بعقیده هوفمان سلاطین زردشتی بوده اند که دو قرن قبل از ساسانیان در پنجاب و کابل سلطنت داشته اند).

یک نفر اسیر در زیر پای شاه زمین افتاده و میترابرووی گل آفتاب گردان ایستاده است. حجاری فوق الذکر فاقد کتیبه است.

در سمت چپ این نقش دو غار مشاهده میشود که اولی کوچکتر و دومی بزرگتر ساخته شده است طاق اول ظاهراً در زمان شاهپور سوم درست شده است زیرا شامل نقش برجسته این شاه و پدرش شاهپور دوم میباشد حجاریهای این طاق در جدار عقب بلافاصله در زیر طاق مشاهده میشوند. دو کتیبه بخط پهلوی در طرف راست و چپ غار قرار گرفته که اسامی حجاری شده را ذکر میکنند.

مسیودومورگان از این کتیبه قالب گیری نموده و ترجمه آنرا در کتاب خود موسوم به «هیأت علمی اعزامی بایران» در قسمت مربوط به تحقیقات آثار باستانی ارائه داده است.

کتیبه سمت راست قبلاً بتوسط یک نفر کشیش با اسم آبه نوشان از ایران اروپا برده شده و در سنه ۱۷۹۲ میلادی آنرا خواند و منتشر گرداند لیکن در موقع ترجمه بجای کلمه شاهپور، بهرام ذکر میکنند که اشتباه وی بوسیله دومورگان اصلاح گردید. کتیبه سمت راست دارای ۹ سطر بشرح زیر است:

- سطر اول - یاتیسکاری ایرنا من
 سطر دوم - مزدیسن وهیا
 سطر سوم - شاهپوری ملکا
 سطر چهارم - ملکان ایران وانیران
 سطر پنجم - مینوچتری یزدان برمان مزدیسن
 سطر ششم - وهیا اورمزدملکان
 سطر هفتم - ملکان ایران وانیران
 سطر هشتم - مینوچتری من یزدان نه پی وهیا
 سطر نهم - نرسی ملکان ملکا

ترجمه کتیبه مذکور از اینقرار است :

این پیکر خدا پرست خوب شاهپور شاه شاهان ایران و غیر ایران نژاد آسمانی از طرف خدا پسر خدا پرست خوب هرمز شاه شاهان ایران و غیر ایران نژاد آسمانی از طرف خدا نوه خوب نرسی شاه شاهان. کتیبه سمت چپ دارای سیزده سطر بشرح زیر است :

سطر اول - پاتیکاری

سطر دوم - ایر نامن مزدیسن

سطر سوم - وهیا

سطر چهارم - شاه پوری

سطر پنجم - ملکان ملکا

سطر ششم - ایران وانیران

سطر هفتم - مینوچتری من یزدان

سطر هشتم - برهان مزدیسن وهیا

سطر نهم - شاه پوری ملکا

سطر دهم - ملکان و ایران وانیران

سطر یازدهم - مینوچتری من یزدان

سطر دوازدهم - وهیا اورمزدی

سطر سیزدهم - ملکان ملکا

ترجمه این کتیبه بقرار زیر است :

این پیکر خدا پرست خوب شاهپور شاه شاهان ایران و غیر ایران نژاد آسمانی از طرف خدا پرست پسر خدا پرست خوب شاهپور شاه شاهان ایران و غیر ایران نژاد آسمانی .

پیکر این دو پادشاه از روبرو دیده میشود لیکن چهره آنها بطور نیم رخ کشیده شده است و یکدیگر را نگاه میکنند شاهپور دوم در سمت راست و شاهپور سوم در طرف چپ قرار دارند . لباسشان بطرز جامه قدما است یعنی شلوار چین دارو گردن بند و نواری کیسوی مجعد و ریش نوك باریك دارند که

انتهای آن در حلقه‌ای فرو رفته است. هر دوی آنها دستهای خود را روی شمشیر دراز و مستقیم خویش نهاده‌اند بدین ترتیب که دست راست آنها بر قبضه شمشیر و دست چپ بر قسمت فوقانی غلاف واقع شده است. (به تصاویر مقاله بیکر ها در شماره ۵ و ۶ سال یکم مراجعه شود)

شاهپور دوم تاج کنگره داری بر سر نهاده که گوی منسوج بر فراز آن می باشد و نوارهای مواجی با آن متصل شده‌اند. شکل این تاج از تاج شاهپور اول تقلید شده است با این تفاوت که بر فراز لبه تحتانی تاج قوسهای متصله کوچکی دیده می شود. جزئیات تاج شاهپور سوم در اثر فساد سنگ بزحمت تمیز داده می شود. هیأت این دو شخص نظیر شکل شمشیر داران و اشکال دیگری است که در غارهای ترکستان چین دیده می شود و در عین حال بسیار شبیه به تصویر صلیبون و شوالیه‌ها و اساقفه اروپای قرون وسطی است.

در کنار غاری که بفرمان شاهپور سوم کنده شده است غار دیگری مشاهده می گردد که از غار شاهپور بزرگتر است و ۳۰ پا ارتفاع و ۲۲ پا عمق دارد. این غار بفرمان خسرو پرویز ساخته شده است.

طاقیکه بشکل نیمدایره در مدخل این غار زده‌اند بسبب درگاه قصور سلطنتی است. پایه‌های طاق بر دو ستون قرار گرفته که نقوش بسیار ظریفی بر آنها رسم کرده‌اند. این نقش شکل درختی است که شاخسارهای آن بر ستون پیچیده است. برگ آن مثل برگ کنگره می باشد و در بالای آن گلی دیده می شود. بعقیده هر تسفلد این درخت نمونه‌ای از درخت زندگانی است که در افسانه‌های عتیق ایران ذکر شده است و در روایات مزدیسنی بصورت‌های گوناگون در آمده و اسامی مختلفی پیدا نموده است از قبیل درخت گنگ ران Gekran و درخت ون یوز بیش که شفا بخش هر مرض بشمار میرفته است. در زاویه ای که در کنار نیمدایره اطاق واقع شده است تصویر دو فرشته دیده می شود که بسبب یونانی خالص حجاری شده و هر یک تاجی بانوارهای مواج به جانب دیگری دراز کرده‌اند. درست در وسط طاق شکل هلالی ساخته‌اند که شاخه‌های آن بجانب بالا است. این هلال هم بانوارهای شاهانه زینت یافته است.

جدار عقب غار مربع و دارای دو نقش برجسته است که آنها را در دو طبقه قرار داده اند. در دو جانب نقش زیرین دو ستون از سنگ بیرون آورده اند که کوئی طبقه دوم کتیبه ای بر آنها قرار دارد و در این دو ستون جدولهای مقعری رسم کرده اند. سرستونها کسه بوسیله رشته ای از برگ تاج بیکدیگر متصل شده اند دارای همان نقشی هستند که در درختهای مدخل غار تعبیه شده است.

تحقیقات هر تسفلد رابطه تاریخی این ستونها را که نمونه منحصرستون سازی عهد ساسانیان محسوب میشود با ستونهای چوبین نواحی کردستان که حافظ رسم معماری روستائی قدیم هستند واضح و روشن کرده است.

نقش فوقانی مجلس تاجگذاری را نشان میدهد. پادشاه در وسط ایستاده است و با دست راست تاجی را از دست شخصیکه در طرف چپ او ایستاده است میگیرد. بعقیده کریستن سن این شخص اهورامزدا و بعقیده عده دیگری از باستانشناسان منجمله ژنرال سرپرسی سایکس مؤبد مؤبدان است.

پادشاه همان تاجی را بر سر دارد که در سکه های خسرو پرویز معمولا رسم میکردند یعنی تاجی بزرگ که دورشته مروارید در زیر و هلالی در پیش دارد. شاخه هائیکه بر فراز تاج نهاده اند در میان دو بال عقاب واقع شده است و بر روی آن هلالی است که قرص خورشید را در آن رسم کرده اند. جامه پادشاه که بطرز معمول دارای نواریهای موج است عبارت از قبائمی آستین دار میباشد که از زانو میگردد و شلواری گشاد و چین خورده در پا دارد. قبا و شلواری غرق در جواهر میباشد حاشیه قبا و غلاف و کمر و نیمتنه و حتی شلوار او مزین به رشته های مروارید است علاوه بر اینها چند رشته مروارید غلطان از گردن پادشاه آویزان است و نقوش لباس همه شبیه مروارید ساخته شده است شخصیکه پهلوی وی ایستاده است جامه ای بلند در بر دارد و عبائی بر دوش افکنده است که حاشیه آن مروارید نشان میباشد. سرموزه هائیکه به پا دارد در زیر شلوارش پنهان است. ریش بلند نوک دار و تاج نوار بسته او نظیر نقوش ازمنه باستانی است.

در طرف راست شاه زنی ایستاده است که افسر شاهی باو میدهد و قبای

او بسبک یونانی حجاری شده است و در روی آن عبائی ستاره نشان پوشیده است و تاجی بر سر دارد که از زیر آن چهار حلقه گیسو بدوش و سینه اش افتاده است و این بنا بشیوه زنان عهد ساسانی است. عده ای تصور میکنند که این زن شیرین زوجه خسرو پرویز است که افسر شاهی را بوی اعطا میکند. لیکن این نظر صحیح نیست زیرا نمیتوان تصور نمود که شاه با عظمت و مغروری مثل خسرو پرویز حاضر شده باشد که افسر شاهی را از دست زنی بگیرد.

بعقیده پرفسور هر تسفلد این زن از روی سبوی دسته داری که در دست گرفته است شناخته میشود زیرا از عهد باستان نقش سبورا نماینده آبهای آسمانی که منبع فیوض نازله زمین و بارور کننده خاک است قرار داده اند. بنا بر شرح مذکور آن زن آناهید (آناهیتا) میباشد که الهه آب محسوب میشده است. سه صورت فوق الذکر از روبرو دیده میشوند.

طبقه زیرین خسرو پرویز را مسلح و سوار بر اسب نشان میدهد این مجسمه را از سنگ بیرون آورده اند که متأسفانه در اثر سوء رفتار مهاجمین شکسته است. پادشاه کلاه خودی بر سر نهاده که تاج بالدار با هلال و قرص خورشید بر آن قرار دارد لیکن بالهای تاج را شکسته اند و فعلای پیدانیست. پادشاه جوشنی با حلقه های آهنین بر تن پوشیده است که تا کلاه خود میرسد و چهره پادشاه را می پوشاند و تن را تاران فرو میگیرد. از زیر این جوشن جامه پادشاه نمایان شده است که دارای تصاویری است شبیه ماهیانی که اصطلاحاً آنها را اسب آبی خوانند. نیزه ای در دست راست گرفته و آنرا بر دوش تکیه داده است ولی مسلمانان بت شکن آن دست را چنان قلم کرده اند که اثری از آن پیدا نیست. در دست چپ سوار سپری مدور دیده میشود که بر بندی مزین و ترکیبی بر تیر سلاح سوار را کامل کرده است. اسب در کمال آرامی بر روی قوایم درشت خود ایستاده است. سرو سینه اش را بر گستوانی منگوله دار پوشانیده است. دو طرف کفل اسب دارای علامتی است که گویا حلقه ای باشد که نواری بشکل کراوات از آن گذرانده اند و این نشان در بعضی مسکوکات ساسانی هم دیده شده است. از دو جانب کفل اسب دو گوی بزرگ که گویا از یشم میباشد در حریر

پیچیده و بشکل گلابی آویخته است و این قسم گوی در اکثر زین و برگهای سلاطین ساسانی بنظر میرسد. این مجسمه سوار بنا بر روایات مورخین اسلامی خسرو پرویز و اسب او شبذیز را نشان میدهد و از حیث ظرافت و سلامت اندام و تناسب و حسن ترکیب شاهکار حجاری محسوب میشود. موافق روایات بن فقیه همدانی این پیکر را استادی بنام قنطوس پسر شمار ساخته است البته شمار معمار قصر خورنق حیره و وجودش در تاریخ ثابت نیست و انتساب این حجاری بآن معمار هم از حیث زمان تناسبی ندارد ولی ظن قوی میرود که در زیر این کلمه معرب (معنی قنطوس) اسمی از اسامی رومی نهفته باشد چنانکه بعقیده هرتسفلد احتمال دارد که تعلق حجار مزبور باین شاهکار صنعتی مبنای تاریخی داشته باشد.

در دیوار راست طاق شکار گوزن را نشان داده است. قسمت وسط این نقش را در خطوطی محصور کرده اند که شبیه حصاری شده است. صیادان گوزنان را تعاقب کرده اند و جانوران هراسان و گریزان از مخرجی که در جانب راست حجاری تعبیه شده است بیرون میجهند. پادشاه که سوار بر اسب است در سه جای این حصار ترسیم شده است در سمت بالا شاه سوار ایستاده است و اسبش مهبای جهیدن است زنی در بالای سر او چتری را افراشته است که علامت شوکت سلطنتی میباشد. در پشت سر او صفی از زنان هستند که بعضی در حال احترام ایستاده و برخی مشغول رامشگری هستند. دوتن از زنان شیور درست دارند و یکی طنبور مینوازد بر روی چوب بستنی که پلکانی بر آن قرار داده اند زنانی نشسته اند که بعضی چنگ می نوازند و برخی کف میزنند در زیر این تصاویر صورت پادشاه دیده میشود که کمان را بزه کرده و در پی جانوران گریزنده اسب میتازد. در قسمت زیرین همین نقش تصویر دیگری از پادشاه مشاهده میشود که اسب را بحالی یور تمه میراند و ترکش در دست از شکار باز میآید. در سمت چپ حصار مذکور اشترانی دیده میشوند که گوزنان کشته را حمل میکنند. نقش دیوار چپ که با دقت فوق العاده ای ساخته شده است شکار گراز را نشان میدهد در اینجا تقریباً تمام نقش را در خطوطی بشکل قاب

محصور کرده اند و فقط حاشیه باریکی در سمت راست قرار داده اند که جماعتی از مردمان و جانوران در آنجا ازدحام کرده اند.

شکارگاه مکانی است نیز از باتلاقی که ماهی و مرغابی در آن بسیار است. در جانب راست پنج صف فیل دیده میشود که بر هر یک دو فیلبان یکی پیش و دیگری پس نشسته بصید گراز مشغولند و گرازان شتابان خود را بمیان نیزارها میکشند. در قسمت بالاقایقی مشاهده میشود که بانوان بسیار در آن نشسته بخواندن و کف زدن مشغول میباشند در جلو و عقب قایق زنان پارو میزنند. در وسط نقش یک جفت کرچی که پارو زنان آنها زن هستند دیده میشوند و این یک جفت کرچی را دوبار نشان داده اند که حکایت از دو موقع شکار میکند. درست در وسط تصویر پادشاه حجاری شده است که در قایق نخستین ایستاده و کمانرا بزه کرده است زنی در طرف چپ او ایستاده است که تیری باو تقدیم میکند. زنی دیگر در طرف راست او بنواختن چنگ مشغول است.

قایق دیگری که در پشت واقع شده است پر از نوازندگان چنگ میباشد. شاه دو گراز بزرگ را با تیر از پای در آورده است. باز همان دو قایق در سمت راست تصویر دیده میشوند. در اینجا پادشاه که هاله ای بر گرد سردارد در دست خود کمانی سست شده نگه داشته است که معلوم میشود که شکار پایان آمده است. در قسمت زیر این نقش فیلان مشغول جمع آوری شکار هستند و اجساد و جانوران را با خرطوم گرفته بر پشت خود مینهند.

این تصویر خاصه نقش دوم بقدری پرکار است که تقریباً هیچ جای بی نقش در آنها دیده نمیشود. نقوش پارچه لباسها را با دقتی فوق العاده رسم کرده اند. صورت جانوران مخصوصاً فیلان را چنان با ظرافت و دقت کشیده اند که شخص بحیرت می افتد و آنها را از حیث حرکات و نمایش حیات از جمله شاهکارهای حجاری میشمرد.

در برابر غار نزدیک چشمه مجسمه ای از خسرو پرویز قرار داشته است. در قرن دهم میلادی ابن مهلهل آنها در همان مکان دیده است. بعداً مجسمه در ریاحه نزدیک طاق افتاده است و در قرن نوزدهم تن آنها بدون پا از آب بیرون


کشیده در بالای سدن نصب کرده اند. اگر چه این پیکر را آب ضایع کرده است و در اثر بی مبالایتهای روستائیان آسیب بسیار آن وارد آمده است و لی هنوز هیات شاهنشاه را نشان میدهد که ایستاده و دستها را بر قبضه شمشیر نهاده است. در کنار این پیکر یک جفت سرستون دیده میشود که در یک سمت آنها تصویر خسرو را بواسطه شکل تاجش می توان تشخیص داد و در سمت دیگر تصویر الهه ای حجاری شده است که در دست راست حلقه یا افسری گرفته است و در دست چپ شاخه سروی دارد. اشکال الهه ها از حیث جزئیات نقاشی بایکدیگر اختلاف دارند اما تصویر پادشاه در همه آن سرستونها یکی است و خسرو پرویز را نشان میدهد. بعقیده هر تسفلد این سه جفت سرستون متعلق بجلو خان عمارتی بوده است که سه طاق داشته و این سرستونها را بقسمی قرار داده بودند که تصویر پادشاه در سمت چپ و نقش الهه در جانب راست واقع میشده است باین ترتیب از جفت شدن تصاویر دو بدو سه مجلس کامل تشکیل میافته است.



در شماره چهارم مجله بررسی های تاریخی مقاله ای
راجع به قلعه جمهور جایگاه بابک خرم دین چاپ
گردیده بود .

اخیراً نامه ای از سرکار سرهنگ حسین بایبوردی
بدفتر مجله ارسال شده است که حاوی نکاتی چند بود .
دفتر مجله نامه مذکور را برای نویسنده مقاله آقای
کامبخش فرد فرستاد و ایشان نیز بدان پاسخی نوشتند .
اینک متن هر دو نامه از نظر خوانندگان محترم
میگذرد .

بررسی های تاریخی



ژوئیه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی